

نکاتی از مسائل علم معانی در دعای هفتم صحیفه سجادیه

عبدالاحد قراری

حال و مقتضای حال

(مجموع حال در این دعای شریف استرحام است برای دفع شدائد و مقتضای آن اطناب است در مدح مخاطب و بیان کمالات او در قدرت و سلطنتش بر مخلوقات و تذلل در درگاه او و عرض درماندگی)

برای روشن شدن نمونه‌های واضح اطناب در این دعای شریف، فقراتی از آن را که متضمن پیام همسان اند، اما در قالب الفاظ متعدد تکرار شده‌ان، با رنگ مشخص می‌کنیم:

یا من تحل به عقد المکاره و یا من یفتأ به حد الشدائد و یا من یلتمس منه المخرج إلى روح الفرج

ذلت لقدرتك الصعاب و تسببت بلطفك الأسباب و جرى بقدرتك القضاء و مضت علی إرادتك الأشياء فهي بمشيتك دون قولك مؤتمرة و یاراتك دون نهيك منزجرة

أنت المدعو للمهمات و أنت المفزع في الملمات

لا یندفع منها إلا ما دفعت و لا ینکشف منها إلا ما کشف

و قد نزل بی یا رب ما قد تکأدني ثقله و ألم بی ما قد بهظني حملة

و بقدرتك أوردته علی و بسطانك وجهته إلي

فلا مصدر لما أوردت و لا صارف لما وجهت و لا فاتح لما أغلقت و لا مغلق لما فتحت و لا میسر لما عسرت و لا ناصر لمن خذلت

فصل علی محمد و آله

و افتتح لي یا رب باب الفرج بطولك و اكسر عني سلطان الهم بحولك و أنلني حسن النظر فيما شکوت و أذقني حلاوة الصنع فيما سألت و هب لي من لدنك رحمة و فرجا هنيئا و اجعل لي من عندك مخرجا و حیا و لا تشغلني بالاهتمام عن تعاهد فروضك و استعمال سنتك

فقد ضقت لما نزل بی یا رب ذرعا و امتلأت بحمل ما حدث علی هما

و أنت القادر علی كشف ما منیت به، و دفع ما وقعت فيه فافعل بی ذلك و إن لم أستوجه منك یا ذا العرش العظیم

اغراض القای خبر

- ذلت لقدرتك الصعاب و تسببت بلطفك الأسباب و جرى بقدرتك القضاء و مضت على إرادتك الأشياء
شاید جمله خبری اصلی است و غرض بیان لازم فائده الخبر است یعنی اینکه من به سعه قدرت تو التفات و ایمان دارم و یا عدول شده و غرض استدعاست یعنی ذلل لقدرتك الصعاب و سبب بلطفك الاسباب و ... الخ
- فهي بمشيتك دون قولك مؤتمرة و بإرادتك دون نهيك منزجرة
غرض از اطناب علی رغم اینکه همان مطلب بند قبلی است دو نکته است؛ یک علاوه بر قطعیت جملات فعلیه سابقه، با استفاده از جمله اسمیه استمرار این احکام هم ثابت شود و دیگر آن که دخل متوهم یعنی ایتمار با قول و انزجار با نهی، بارز دفع شود.
- أنت المدعو للمهمات و أنت المفزع في الملمات
ظاهراً غرض از القای خبر غیر اصلی است و آن استعطاف است و فصل در جمله لاحق نیز آن را تأیید می کند علی سبیل شبه کمال الاتصال و إلا موضع وصل بود
- لا يندفع منها إلا ما دفعت و لا ينكشف منها إلا ما كشفت
ظاهراً غرض از القای خبر غیر اصلی است و آن تعلیل دعا و فزع سائل است.
- قد نزل بي يا رب ما قد تكأدني ثقله و ألم بي ما قد بهظني حملة
بهمنزله صغری است برای دو جمله سابق و علت وصل هم همین است.
- بقدرتك أوردته علي و بسطانك وجهته إلي
احتمال دارد مراد این باشد که تو عظمتی داری که می توانی حاجت من را بدهی (این معنا به معنای اصلی جمله فعلیه نزدیک تر است) و یا اینکه غرض این باشد که حالا که به قدرتت این بلا را احداث کرده ای پس با این حال زاری من آن را باز به قدرتت از بین ببر (این معنا با سیاق ملائمت بیشتری دارد و خصوصاً عطف با فاء در جمله آتی)
- لا مصدر لما أوردت و لا صارف لما وجهت و لا فاتح لما أغلقت و لا مغلق لما فتحت و لا میسر لما عسرت و لا ناصر لمن خذلت
غرض بیان استسلام متکلم است تا پادشاه مطلق هستی بر وی رحمت آرد زیرا عبد خود را کاملاً بدون پناه می بیند.
- قد ضقت لما نزل بي يا رب ذرعا و امتلأت بحمل ما حدث علي هما
استرحام است.
- أنت القادر علی كشف ما منيت به، و دفع ما وقعت فيه
تحريك الهمة إلى ما يلزم تحصيله و البته این لزوم ادعایی است از متکلم به حساب لازمه کمال و فضل مخاطب.

اغراض انشا

السبت، مارس ۲۱، ۲۰۲۰
ق.ظ ۰۶:۴۶

ندا

- يا من تحل به عقد المكاره و يا من يفتأ به حد الشدائد و يا من يلتمس منه المخرج إلى روح الفرج ندا اصلى است.
- فقد ضقت لما نزل بي يا رب ذرعا استرحام است.
- يا ذا العرش العظيم

اشاره به اين است كه مى توانى دعای من را اجابت كنى زيرا همه عالم تحت سلطنت توست و من عبد تو هستم و سلطان مى تواند با عبدش اين لطف را بكند اگرچه او لايق برآوردن حاجت نباشد.

امر و نهی

- صل على محمد و آله دعاست برای مقربان درگاه مخاطب تا موجب اقبال بیشتر وی شود.
- افتح لي يا رب باب الفرج بطولك و اكسر عني سلطان الهم بحولك و أنلني حسن النظر فيما شكوت و أذقني حلاوة الصنع فيما سألت و هب لي من لدنك رحمة و فرجا هنيئا و اجعل لي من عندك مخرجا و حيا دعاست زیرا از دانی است و غرض طلب حقیقی است.
- لا تشغلني بالاهتمام عن تعاهد فروضك، و استعمال سنتك كالتعريض (رجوع شود به مبحث کنایه در علم بیان) است به اینکه اگر بلايم را دفع نکنی فروض و سنتت زمین می مانند.
- فافعل بي ذلك و إن لم أستوجه منك امر دعاست زیرا از دانی است و غرض طلب حقیقی است.

اغراض تقدیم متعلق

السبت، مارچ ۲۱، ۲۰۲۰
ق.ظ. ۰۶:۴۶

- تحل به عقد المکاره؛ یفتاً به حد الشدائد؛ یلتمس منه المخرج إلى روح الفرج
برجسته‌سازی و تأکید بر صفت قدرت حضرت اله تبارک و تعالی در گره گشایی
- ذلت لقدرتك الصعاب و تسببت بلطفك الأسباب و جرى بقدرتك القضاء و مضت على إرادتك الأشياء فهي بمشيتك دون قولك
مؤتمرة و بإرادتك دون نهيك منزجرة
برجسته‌سازی و تأکید بر صفت قدرت حضرت اله تبارک و تعالی در گره گشایی
- قد نزل بي يا رب ما قد تكأدني ثقله و ألم بي ما قد بهظني حملة
پافشاری بر توجه مخاطب به حال بلا دیده متکلم
- بقدرتك أوردته علي و بسطانك وجهته إلي
غرض از تقدیم متعلق بیان حصر نیست و بلکه اهتمام است به اینکه جایگاه قدرت و سلطان الهی برای داعی کاملاً معلوم است.
- افتح لي يا رب باب الفرج بطولك و اكسر عني سلطان الهم بحولك
پافشاری بر توجه مخاطب به حال بلا دیده متکلم
- هب لي من لدنك رحمة و فرجا هنيئا و اجعل لي من عندك مخرجا و حيا
پافشاری بر توجه مخاطب به حال بلا دیده متکلم